

تفحص ایران در سیاست وارجی امپراتوری

اتریش و مجارستان در خلال جنگ جهانی اول

ولف د. قیق بیهل
مترجم: احمدرضا اکبری*

سیاست اتریش-مجارستان در قبال ایران، بخشی از سیاست شرقی پادشاهی «هامبورگ» بود. هنگام شروع جنگ اول جهانی، کنت لوگوتی، نماینده اتریش - مجارستان در ایران، تعطیلاتش را در اروپا می‌گذراند. در پانزدهم اگوست سال ۱۹۱۴، وزیر امور خارجه آن کشور، کنت برچتولد، به سفیر کشورش در باب عالی نوشت که می‌خواهد ایران را به شرکت در جنگ جهانی اول تشویق کند. زیرا ورود ایران به جنگ، روی مسلمانان قفقاز، ترکستان، افغانستان و هند تأثیر

خواهد گذاشت. در سیزدهم دسامبر همان سال، کلنل **فردیناند کوستلزکی** به عنوان وابسته‌ی نظامی لوگوتتی منصوب شد. اما کوستلزکی در قسطنطنیه بیمار شد و افسر ستاد کل، **ولف گنگ هلر** را به عنوان جانشین او منصوب کردند.

در اول فوریه‌ی ۱۹۱۵، هلر یک دستور تلگرافی دریافت کرد که به عنوان وابسته‌ی نظامی به تهران برود. در پانزدهم ژوئن ۱۹۱۵، انتصاب کوستلزکی لغو شد و انتصاب کلنل هلر (از اول می ۱۹۱۵) اعتبار یافت. برخلاف قانون بین‌المللی، هلر در نهم فوریه‌ی ۱۹۱۶ توسط روس‌ها در نزدیکی تهران دستگیر شد. اما او توانست از زندان بگریزد و به اتریش - مجارستان باز گردد.

ایران از سال ۱۹۰۷ به منطقه‌ی نفوذ روس و انگلیس تقسیم شده بود (و یک منطقه‌ی بی‌طرف بین این دو وجود داشت). در اول نوامبر ۱۹۱۴، **احمدشاه قاجار** بی‌طرفی ایران را اعلام کرد. با توجه به برداشت اروپاییان از ارتش، ایران به جز جنگجویان قبیله‌ای سازمان نیافته و نیروی پلیس منطقه‌ای (ژاندارمری) که توسط افسران سوئدی و بریگاد قزاق تحت فرماندهی روس‌ها تربیت شده بودند، هیچ ارتشی نداشت.

وظیفه‌ی اصلی هلر (مطابق با دستورات فرماندهی عالی اتریش - مجارستان)، فعالیت علیه روس‌ها بود. برخلاف آن، برلین برنامه‌ریزی می‌کرد که از ایران و از سوی دیگر از افغانستان، به عنوان پایگاه‌هایی برای حمله به انگلیس‌ها در هندوستان استفاده کند. لشکرکشی علیه انگلیس - هند باید از افغانستان آغاز و به وسیله‌ی **اسکار ریترون نیدرمایر** رهبری می‌شد. قرار بود گاهی هم توسط

هلر، لوگوتتی و کاردار آلمان در ایران، **هنریک ۳۱**، و پرنس روب همراه شود.

شورای جنگ که اعضای آن عبارت بودند از وزیر جنگ عثمانی **انورپاشا**، ژنرال **فیلدمارشال سلمار وون دگلتر** کاردار آلمان در امپراتوری عثمانی، **هانس وون وانگن‌هیم** نماینده‌ی تام‌الاختیار نظامی اتریش - مجارستان در استانبول، پومیانکوفسکی، لوگوتتی و روب، در یازدهم فوریه‌ی ۱۹۱۵ در استانبول تصمیم گرفت که هرچه سریع‌تر ایران را به نفع قدرت‌های مرکزی به جنگ بکشاند. آذربایجان ایران باید موضع محکمی علیه روسیه می‌شد.

نقشه‌ی اصلی هلر حمله به حوزه‌های نفتی باکو بود، اما واقعیت‌های موجود او را از چنین توهمی بازداشت. روب کوشید تا ایران را با احترام صوری به بی‌طرفی آن، مرحله به مرحله به حمایت از نیروهای مرکزی بکشاند. این کار تا قبل از شکست صربستان، ورود بلغارستان به جنگ به نفع قدرت‌های مرکزی و حمل و نقل تسلیحات و مهمات به استانبول و ایران، چندان آسان نبود.

روب، گلتر و هلر از بی‌فکری‌های وابسته‌ی نظامی آلمان، کنت **کانتیز** در خصوص فعالیت‌های متناقض با بی‌طرفی ایران در طول تابستان و پاییز سال ۱۹۱۵، که قبل از ورود گلتر به عنوان سرفرمانده ایران و بین‌النهرین، بدون پول و اسلحه‌ی کافی انجام می‌شدند، انتقاد کردند. مطابق گفته‌ی هلر، فعالیت‌های عجولانه‌ی کانتیز، کنسول آلمان در کرمانشاه، **هانسمن** و **نیدرمایر** (که به موقعیت واقعی و هدایت جنگ عثمانی توجه نمی‌کردند) متحدین را به تلافی تحریک می‌کردند. در نهایت هم

موجب فروپاشی سیاست ایران در قبال قدرت‌های مرکزی و در نتیجه از دست رفتن بغداد شد.

وزیر خارجه‌ی اتریش - مجارستان، **بارون برایان**، متقاعد نشد که فعالیت‌های ایران سودآور است. مطابق با گفته‌ی هلر، کنت لوگوتتی نسبت به سیاست خاص اتریش - مجارستان در قبال ایران، دیدگاه روشنی نداشت. او می‌خواست از دستور مبنی بر مشارکت با همکار آلمانی‌اش اطاعت کند. اما روابط روب با لوگوتتی براساس عدم اعتماد و صداقت بود. هلر روابط اتریش - مجارستان با آلمان را به یک پیوند اندکی قبل از جدایی تشبیه می‌کرد. او از این موضوع که روب و کانتیز غالباً بدون همکاری با نمایندگان اتریش - مجارستان عمل می‌کردند، شکایت داشت.

هلر می‌خواست خیلی محتاطانه عمل کند: ایران را برای ورود به جنگ جهانی به نفع قدرت‌های مرکزی قادر سازد که ارتشی منظم (مبتنی بر ژاندارمری) را سازمان‌دهی کند. تنها اندکی قبل از کنفرانس صلح عمومی، ایران باید به طور مؤثری وارد جنگ می‌شد. به این منظور لازم بود، پول، اسلحه، مهمات و ابزارآلات جنگی تأمین شود و تمامی تضادها و تحریک‌ها به حداقل ممکن برسد. با وجود این، او می‌خواست آلمان‌ها را به خاطر مشارکت نزدیک نظامی که بین برلین و وین وجود داشت، یاری کند. بنابراین با فرستادن سربازان اتریش - مجارستان که قادر بودند از زندان‌های روسی اردوگاه‌های جنگی در ترکستان بگریزند، به لشکرکشی نیدرمایر و به فعالیت‌های کنسول آلمان در شیراز کمک کرد.

هلر و لوگوتتی از زندانیان فراری جنگ (تا سال ۱۹۱۸ که در حدود ۴۵۰ مرد بودند) حمایت کردند. برخی از آنها مربیانی برای ارتش آینده‌ی ایران بودند. اما برایان و لوگوتتی نمی‌خواستند از زندانیان فراری اتریش- مجارستان برای فعالیت‌های نظامی آلمان در ایران استفاده کنند. تحت فشار برلین، برایان زندانیان اتریش- مجارستان را در اختیار روب قرارداد.

هنگامی که نیدرمایر در آوریل ۱۹۱۵ به تهران رسید، خواهان مشارکت اتریش- مجارستان در لشکرکشی‌اش به افغانستان شد. حدود ۳۰ داوطلب اتریش- مجارستانی با مشارکت موافقت کردند و برای قرارگرفتن در نقاط گوناگون ایران به منظور تأمین امنیت این لشکرکشی متفرق شدند. در افغانستان حدود ۱۰۰ شهروند اتریش- مجارستانی با نیدرمایر همکاری کردند.

دکتر **زوغمایر**، جانورشناس اتریشی، در ژوئن ۱۹۱۵ به کرمان رفت. او وظیفه داشت، با انگلیس در ایران شرقی بجنگد. در ماه سپتامبر، گروه کوچکی از اتریش - مجارستانی‌ها و آلمانی‌ها که از شیراز آمده بودند، موقعیت قدرت مرکزی را در کرمان تقویت کردند. بین آنها باستان‌شناس اتریشی، دکتر **رودلف بیاک**، و ستوان دوم **ادموند ژاروژمک** هم بودند. ژاروژمک کرمان را ترک کرد و در اکتبر ۱۹۱۵ به اصفهان رسید. در آنجا با ۷ آلمانی و ۲۴ اتریش- مجارستانی که منتظر دستور ترک افغانستان بودند، ملاقات کرد.

در نوامبر ۱۹۱۵، هلر به ۸۰ عضو ارتش اتریش- مجارستان دستور

داد به کرمانشاه بروند (در میان آنها ستوان اول کارل ناپرویل نیز حضور داشت). گروه‌های دیگر، تهران را در دسامبر ۱۹۱۵ و ژانویه‌ی ۱۹۱۶ ترک کردند (میان آنها افرادی چون دکتر هینر، ستوان اول فرانس لوسکوت و کورپورال اسلاوک حضور داشتند). ژاروژمک فرمانده موصل بود.

در ایران غربی، اتریش- مجارستانی‌ها به عنوان اعضای هیئت نظامی ایران- آلمان جنگیدند. تا پایان دسامبر ۱۹۱۵، کرمان به وسیله‌ی گروه زوگمایر به یک مرکز ضدانگلیسی تبدیل شد و این مرکز به وسیله‌ی آلمانی‌ها و اتریش- مجارستانی‌هایی که قبلاً به افغانستان رفته بودند، گسترش یافت. لشکرکشی دکتر بیاک و **ودیگ** آلمانی به بلوچستان در ژانویه‌ی ۱۹۱۶ با شکست مواجه شد. انگلیس، بیاک و دیگر اعضای گروه زوگمایر را زندانی کرد. علاوه بر این، تمامی اتریش- مجارستانی‌ها و آلمانی‌ها در شیراز، کرمان و سعیدآباد زندانی شدند. در فوریه‌ی ۱۹۱۷ روسیه مسئولیت زندانی‌های انگلیس را بر عهده گرفت.

در سپتامبر و اکتبر ۱۹۱۵، برلین، وین و استانبول، اعلامیه‌ای را مبنی بر ضمانت استقلال و انسجام ایران صادر کردند.

در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶، حدود ۱۰۰ عضو ارتش آلمان و تقریباً ۲۰۰ عضو ارتش اتریش- مجارستان، در عملیات نظامی آلمان در ایران شرکت کردند. بدون اتریش- مجارستانی‌ها، لشکرکشی و تبلیغات آلمان امکان‌پذیر نبود. با وجود این، آلمانی‌ها تلاش‌های اتریش- مجارستان را نادیده گرفتند یا

بی‌ارزش شمردند.

در آوریل ۱۹۱۶، سرگرد کسلینگ ظرفیت اتریشی‌ها را در هیئت نظامی آلمان- ایران به عنوان زیردست محدود کرد. در نوامبر ۱۹۱۵، هلر به تغییر اقامت شاه از تهران به اصفهان برای فرار از دخالت روس‌ها رأی داد. روب و کانیتز در مسیر قم به سمت شاه عبدالعظیم در جنوب تهران، مکانی که لوگوتتی و سفیر عثمانی، **عظیم‌بیگ** و هلر توقف کرده بودند، حرکت کردند. لوگوتتی و عظیم در ۲۶ نوامبر ۱۹۱۵ به تهران بازگشتند.

پروژه‌ی برایان مبنی بر واگذاری بندرگاهی به روسیه در خلیج فارس به منظور تلاش برای هدایت توسعه‌طلبی روزال به سوی خاورمیانه و بنابراین دور کردن آن از بالکان، در فوریه‌ی ۱۹۱۶ به وسیله‌ی برلین رد شد.

بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸، تنها فعالیت‌های مستقیم نظامی قدرت‌های مرکزی در ایران، آن‌هایی بودند که به وسیله‌ی متحدین عثمانی انجام شدند. ماده‌ی هفت عهدنامه‌ی صلح «برست- لیتوسک» بین روس و قدرت‌های مرکزی (سوم مارس ۱۹۱۸)، استقلال و تمامیت ایران را ضمانت کرد.

از هیئت داوطلب **میرزا کوچک خان** در دریای خزر، به وسیله‌ی مربیان اتریش- مجارستان حمایت شد و **هانز استریکر** اتریشی در سال ۱۹۱۸ یک مدرسه‌ی کشاورزی را که پایه‌ی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تهران شد، تأسیس کرد.

مرگ کنت لوگوتتی در سوم آگوست ۱۹۱۸، کم و بیش به سیاست اتریش- مجارستان در ایران خاتمه داد.

